

مخاطب خاص ساخته شده‌اند. هنر و تجربه با همین نگاه شکل گرفت.»

رئیس اسبق سازمان سینمایی معتقد است استقبال از این جریان حتی فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه بود. او توضیح داد: «تصور من این بود که حداقل پنج یا شش سال زمان لازم است تا هنر و تجربه جای خود را پیدا کند، اما استقبال به قدری گسترده بود که خیلی زود به یک برند فرهنگی تبدیل شد.»

ایوبی همچنین از نقش مدیران و مشاوران اولیه این جریان یاد کرد و گفت حضور چهره‌هایی مانند کیانوش عیاری، هوشنگ گلمکانی و دیگر سینماگران و منتقدان شناخته‌شده باعث شد هنر و تجربه از اعتبار ویژه‌ای برخوردار شود. به گفته او، اعضای این مجموعه با عشق و علاقه در جلسات حضور پیدا می‌کردند و برای تثبیت این جریان فرهنگی تلاش زیادی انجام دادند.

هنر و تجربه پروژه پر هزینه‌ای نبود.

با این حال، ایوبی معتقد است که هنر و تجربه در سال‌های بعد به تدریج از مسیر اولیه خود فاصله گرفت و به سمت کمرنگ شدن حرکت کرد. او در این باره گفت: «متأسفانه هنر و تجربه بعد از آن دوران وارد مسیر ضعیف شدن شد و تقریباً به سمت خاموشی رفت؛ سرنوشتی که متأسفانه بسیاری از طرح‌های خوب فرهنگی در کشور با آن مواجه می‌شوند.»

او در پاسخ به این دیدگاه که مشکلات مالی عامل اصلی این وضعیت بوده است، نظر متفاوتی دارد. به اعتقاد ایوبی، هنر و تجربه اساساً پروژه‌های پرهزینه نبود و با بودجه‌ای محدود توانست دستاوردهای مهمی داشته باشد. او با اشاره به تجربه مدرسه سینما در آن سال‌ها گفت بسیاری از فیلمسازان جوان و موفق امروز از دل همین جریان و برنامه‌های آموزشی آن بیرون آمدند.

ایوبی یکی از دلایل اصلی تضعیف هنر و تجربه را تغییر نگاه مدیریتی به سینما می‌داند؛ نگاهی که در آن شاخص‌هایی مانند فروش، تعداد مخاطب و بازگشت سرمایه بر ارزش‌های فرهنگی و هنری غلبه پیدا کرد. با این حال، او نسبت به آینده خوش‌بین است و معتقد است با حضور مدیران جدید سینمایی، امکان بازگشت این جریان به دوران رونق خود وجود دارد.

ایران صاحب یک هویت مستقل سینمایی است

او در ادامه با اشاره به ضرورت بازسازی اقتدار فرهنگی ایران گفت: «بعد از این دوران و جنگی که پشت سر گذاشته‌ایم، یکی از مهم‌ترین مسائل کشور باید بازگشت به اقتدار فرهنگی ایران باشد. ایران در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی مرجعیت داشته و باید دوباره این جایگاه را احیا کند؛ از خوشنویسی و هنرهای سنتی گرفته تا سینما.»

ایوبی تأکید کرد که ایران برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، صاحب یک هویت مستقل سینمایی است. او گفت: «در دنیا سالن سینما زیاد است، اما چیزی به نام سینمای مصر یا سینمای عربستان به معنای یک مکتب فرهنگی شناخته‌شده وجود ندارد؛ در حالی که ما چیزی به نام سینمای ایران داریم. سینمایی که لهجه ایرانی دارد، فرهنگ ایرانی دارد و حامل تمدن ایرانی است.»

سینمای هنری مخاطبان ویژه خود را دارد

او همچنین درباره آینده فیلمسازان جوان و تجربه‌گرا معتقد است اگر هنر و تجربه بتواند به شیوه سال‌های نخست فعالیت خود بازگردد، همچنان ظرفیت جذب مخاطب را خواهد داشت. از نگاه او، اعتبار برند هنر و تجربه، فرش قرمزها، جلسات نقد و بررسی، شیوه‌گران و تبلیغات تخصصی، همه عواملی بودند که به دیده شدن آثار کمک می‌کردند و می‌توانند دوباره احیا شوند.

ایوبی در پایان با اشاره به مخاطبان سینمای هنری گفت: «سینمای گیشه و سرگرمی همیشه مخاطبان خودش را دارد، اما سینمای هنری هم مخاطبان ویژه خود را دارد؛ از جوانان و دانشجویان گرفته تا علاقه‌مندان جدی فرهنگ و هنر. این مخاطبان همچنان وجود دارند و اگر سیاست‌گذاری درستی صورت بگیرد، هنر و تجربه می‌تواند بار دیگر به جایگاه تأثیرگذار خود بازگردد.»



مسعود سفلائی، مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه»

«هنر و تجربه» یک باور غلط را شکست

مسعود سفلائی، مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه»، با تأکید بر ضرورت حمایت از سینمای غیرتجاری، معتقد است مهم‌ترین دستاورد «هنر و تجربه» در سال‌های فعالیت خود، شکستن این باور بوده که مخاطب ایرانی برای سینمای هنری و غیرتجاری وجود ندارد.

سفلائی در گفت‌وگو با صبا، با اشاره به تجربه حضور در جشن هفتادمین سالگرد بخش‌های مرتبط با سینمای هنری در جشنواره کن، اظهار کرد: «جشن هفتاد سالگی در کن برای من شخصاً یک لحظه تأمل‌برانگیز بود. نه فقط به عنوان یک رویداد جشنواره‌ای، بلکه به عنوان یک آینه؛ آینه‌ای که نشان می‌داد دنیا چطور به سینمای غیرتجاری نگاه می‌کند و ما کجا ایستاده‌ایم.»

او با اشاره به سیاست‌های حمایتی کشورهای مختلف از سینمای هنری افزود: «در فرانسه، مرکز ملی سینما (CNC) دهه‌هاست با مکانیزم‌های مالیاتی و یارانه‌ای مشخص از سینمای هنری حمایت می‌کند. در کره جنوبی، دولت سینما را به عنوان یک صنعت فرهنگی استراتژیک تعریف کرده و بخشی از این تعریف، حمایت از سینمای غیرتجاری بوده است. در آلمان نیز صندوق‌های منطقه‌ای فیلم مستقل از منطق بازار فعالیت می‌کنند.»

مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه» ادامه داد: «این اتفاقات تصادفی نیستند. آن‌ها نتیجه یک باور اجتماعی هستند که سینمای هنری را بخشی از هویت فرهنگی ملی می‌داند. مهم‌تر از آن، در این کشورها یک باور صنفی شکل گرفته که بر اساس آن، سینمای هنری بخشی جدایی‌ناپذیر از اکوسیستم سینما محسوب می‌شود.»

سفلائی با بیان اینکه چنین باوری هنوز به شکل گسترده در سینمای ایران وجود ندارد، گفت: «سینماداران ترجیح می‌دهند سالن‌هایشان را به فیلم‌های پر فروش اختصاص دهند، توزیع‌کنندگان نیز انگیزه‌ای برای کار با فیلم‌های هنری نمی‌بینند. در چنین شرایطی، «هنر و تجربه» در خلأ موجود شکل گرفت تا فضایی برای بقای این سینما فراهم کند، اما یک گروه سینمایی به تنهایی نمی‌تواند جای یک باور صنفی فراگیر را بگیرد»

مشکل اصلی فقط کمبود بودجه نیست

مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه» در ادامه با رد این دیدگاه که مشکل سینمای هنری صرفاً مالی است، اظهار کرد: «اگر بگوییم مشکل فقط مالی است، راه‌حل را بیش از حد ساده کرده‌ایم. تجربه سال‌های مختلف نشان داده حتی در دوره‌هایی که منابع مالی بهتر بوده، سینمای هنری همچنان در حاشیه مانده است. دلیل آن، فقدان یک باور فرهنگی و صنفی جدی نسبت به اهمیت این سینماست.»

سفلائی افزود: «وقتی ارزش یک فیلم صرفاً بر اساس میزان فروش آن سنجیده می‌شود، در واقع یک انتخاب ایدئولوژیک صورت گرفته است. نتیجه چنین نگاهی این است که سالن‌های بهتر در اختیار فیلم‌های تجاری قرار می‌گیرند، توزیع‌کنندگان هم‌کاری با آثار هنری فاصله می‌گیرند و رسانه‌ها نیز عمدتاً به سراغ آثار پر فروش می‌روند. او تأکید کرد: «سینمای هنری در ایران بیش از آنکه قربانی نبود مخاطب باشد، قربانی دیده نشدن است. تجربه‌گران بسیاری از فیلم‌های «هنر و تجربه» نشان داده که حتی با حداقل تبلیغات نیز می‌توانند مخاطب خود را پیدا کنند. بنابراین مشکل اصلی، دسترسی، معرفی و تبلیغات است.»

هنر و تجربه یک باور غلط را شکست

مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه» مهم‌ترین دستاورد این مجموعه را تغییر نگاه نسبت به مخاطبان سینمای هنری دانست و گفت: «سال‌ها این تصور وجود داشت که مخاطب ایرانی علاقه‌ای به سینمای غیرتجاری ندارد. اما ما فیلم‌هایی را اکران کردیم که بدون برخورداری از ستاره‌های

مشهور یا بودجه‌های تبلیغاتی سنگین، با استقبال قابل توجه مخاطبان مواجه شدند. این اتفاق نشان داد آن باور رایج، نادرست بوده است.»

او همچنین ایجاد یک مسیر اکران جایگزین برای فیلمسازان جوان را از دیگر دستاوردهای این گروه عنوان کرد و افزود: «پیش از شکل‌گیری «هنر و تجربه»، فیلمسازان جوان عملاً باید فیلم‌هایشان را در جشنواره‌ها نگه می‌داشتند یا برای رسیدن به اکران، آن‌ها را به سمت بازار تجاری سوق می‌دادند. «هنر و تجربه» راه سومی را پیش روی آن‌ها قرار داد.»

فیلمساز جوان، امروز امید بیشتری برای دیده شدن دارد

سفلائی با اشاره به تأثیر این گروه بر نسل جدید فیلمسازان اظهار کرد: «مهم‌ترین تغییری که اتفاق افتاده، یک تغییر ذهنی است. پیش از این بسیاری از فیلمسازان جوان از همان ابتدا تصور می‌کردند فیلم شخصی و غیرتجاری امکان اکران ندارد. این نوعی خودسانسوری بود. اما امروز می‌دانند اگر فیلمی با زبان سینمایی و حرفی برای گفتن ساخته شود، امکان دیده شدن آن وجود دارد.»

او البته تأکید کرد که این فضا همچنان محدود است و گفت: «تعداد سالن‌ها کافی نیست، مکانیزم‌های حمایتی هنوز کامل نشده‌اند، اما نفس وجود چنین فضایی یک دستاورد مهم است که باید حفظ و تقویت شود.»

ضرورت حمایت فرهنگی از سینمای هنری

مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه» در بخش دیگری از این گفت‌وگو با بیان اینکه دفاع از سینمای هنری امروز ضروری‌تر از گذشته است، اظهار کرد: «در دورانی زندگی می‌کنیم که سرگرمی در اشکال مختلف و به وفور در دسترس است. اما سینمای هنری وظیفه‌ای فراتر از سرگرمی دارد. این سینما آینه‌ای است که جامعه می‌تواند خود واقعی‌اش را در آن ببیند و درباره مسائل پیچیده و پرسش‌های دشوار تأمل کند. این کارکرد را هیچ فیلم پر فروش نمی‌تواند جایگزین کند، زیرا اساساً هدف سینمای هنری با سینمای تجاری متفاوت است.»

مخاطب سینمای هنری دیگر محدود به خاصی نیست

سفلائی درباره تغییرات مخاطبان سینمای هنری گفت: «در سال‌های اخیر نسل جدیدی از مخاطبان شکل گرفته‌اند که از طریق پلتفرم‌های آنلاین با سینمای جهان آشنا شده‌اند. آن‌ها آثار سینمای کره، اروپا و آمریکای لاتین را دیده‌اند و سطح انتظاراتشان از سینما بالاتر رفته است.»

او ادامه داد: «این مخاطبان نهمین نسل سواد سینمایی بیشتری دارند، بلکه دیگر آن کلیشه قدیمی را که سینمای هنری را خسته‌کننده می‌دانست، قبول ندارند. به نظر من این تحول یکی از مهم‌ترین اتفاقات فرهنگی سال‌های اخیر است.»

سفلائی در پایان تأکید کرد: «جالش اصلی امروز این است که این مخاطب جدید را حفظ کنیم و به او نشان دهیم که سینمای ایران نیز می‌تواند همان کیفیت را ارائه دهد که او در سینمای جهان تجربه کرده است.»



رضا صائمی، منتقد سینما و تلویزیون

سینمای هنر و تجربه تثبیت شده اما به جریان‌سازی نرسیده است

رضا صائمی منتقد سینما در گفت‌وگو با صبا، با اشاره به جایگاه سینمای «هنر و تجربه» در ایران، معتقد است که این جریان اگرچه توانسته به تثبیت نسبی دست پیدا کند، اما هنوز نتوانسته به یک جریان تأثیرگذار و فرهنگ‌ساز در سینمای ایران تبدیل شود.

صائمی با اشاره به الگوگیری سینمای «هنر و تجربه» ایران از نمونه‌های اروپایی، به‌ویژه سینمای هنری و تجربه‌گرای فرانسه، می‌گوید این جریان به دلایل مختلف اجتماعی و فرهنگی نتوانست به جایگاه واقعی خود در سپهر سینمای ایران دست یابد. به اعتقاد او،

شرایط تاریخی ایران در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در این ناکامی نقش مهمی داشته است.

او با اشاره به بحران اقتصادی سینما و کاهش مخاطبان توضیح می‌دهد که وقتی سینمای جریان اصلی با مشکلات مالی و بحران مخاطب مواجه است، طبیعی است که سینمای هنری و تجربی با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو شود؛ چراکه این نوع سینما اساساً مخاطبان محدودتر و سرمایه‌گذاری پریسک‌تری دارد. این منتقد سینما بخشی از مشکلات امروز هنر و

تجربه را ناشی از بحران کلی سینمای ایران می‌داند اما تأکید می‌کند که نبود سیاست‌های حمایتی مناسب نیز در این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است. او یادآور می‌شود که هنوز پردیس سینمایی اختصاصی برای نمایش فیلم‌های هنر و تجربه وجود ندارد، اکران این آثار پراکنده و فاقد برنامه‌ریزی مؤثر است و حتی جشنواره‌های مستقل برای این حوزه شکل نگرفته است.

به گفته صائمی، ساختار مدیریتی هنر و تجربه نیز طی سال‌های گذشته فراز و نشیب‌های متعددی را پشت سر گذاشته و امروز به عنوان واحدی ذیل مرکز گسترش تعریف می‌شود؛ موضوعی که از نگاه او، دامنه اثرگذاری این جریان را محدود کرده است. او در عین حال تأکید می‌کند که سینمای هنر و تجربه در ایران تثبیت شده، اما هنوز به مرحله جریان‌سازی و تأثیرگذاری گسترده نرسیده است.

صائمی در ادامه به سال‌های ابتدایی شکل‌گیری این جریان اشاره می‌کند و معتقد است که هنر و تجربه در آن مقطع توانسته بود به یک جریان فرهنگی تبدیل شود. او یادآور می‌شود که برخی آثار اکران شده در این گروه، از جمله فیلم «ماه و گربه»، حتی از بعضی فیلم‌های اکران عمومی نیز مخاطبان بیشتری جذب کردند. همچنین انتشار ماهنامه هنر و تجربه و برگزاری نشست‌های نقد و بررسی در تهران و شهرستان‌ها، به تقویت این جریان فرهنگی کمک کرده بود.

با این حال، او معتقد است که این تأثیرگذاری به مرور زمان کاهش یافت و هنر و تجربه امروز بیش از آنکه یک جریان فرهنگی فعال باشد، به بستری برای نمایش فیلم‌هایی تبدیل شده که امکان حضور در چرخه اکران عمومی را ندارند.

این منتقد سینما یکی دیگر از چالش‌های مهم امروز سینمای ایران را کاهش ریسک‌پذیری هنری می‌داند. او معتقد است زمانی که تولید فیلم از منظر اقتصادی توجیه نداشتند، طبیعی است که تمایل برای ساخت آثار هنری و تجربه‌گرا نیز کاهش پیدا کند. به گفته او، این موضوع به معنای نگاه صرفاً تجاری به سینما نیست، اما نباید فراموش کرد که سینما صنعتی پرهزینه است و در شرایط بحران اقتصادی، آثار هنری بیش از دیگر گونه‌های سینمایی آسیب می‌بینند.

صائمی همچنین به تأثیر مشکلات اقتصادی بر مصرف محصولات فرهنگی اشاره می‌کند و می‌گوید در دوره‌های بحران، نخستین کالاهایی که از سبد خانوار حذف می‌شوند، کالاهای فرهنگی هستند. در چنین شرایطی، فیلم هنری و تجربی به کالایی لوکس تبدیل می‌شود که هم از چرخه مصرف و هم از چرخه تولید کنار گذاشته می‌شود.

او درباره مفهوم «شکست خلاقانه» نیز معتقد است که هنر اساساً با نوعی زیبایی‌شناسی شکست‌گره خورده و ترازوی یکی از رایج‌ترین ژانرهای هنری است. با این حال، از منظر اقتصاد فرهنگ، شرایط امروز چندان فرصت تجربه‌گرایی‌های پریسک‌را فراهم نمی‌کند. هرچند به باور او، گاهی خلاقیت دقیقاً از دل بحران‌ها متولد می‌شود و شکست‌های خلاقانه می‌توانند زمینه‌ساز دستاوردهای غیرمنتظره باشند.

صائمی در پایان تأکید می‌کند که سینمای هنری در ایران هنوز زنده است و مخاطبان خود را دارد. با این حال، این سینما هنوز نتوانسته در فضای فرهنگی کشور به جایگاه جریان‌ساز دست پیدا کند و حضور پررنگ آن بیشتر در جشنواره‌ها دیده می‌شود. او در پایان با اشاره به نقش رهایی‌بخش هنر می‌گوید: «هنوز می‌توان به ظرفیت‌های هنر امیدوار بود؛ همان‌طور که نیچه می‌گوید اگر هنر نبود، واقعیت ما را می‌کشت.»

